

بررسی برخی از نشانه‌های نسخه‌های اصل

اثر: الهه روحی‌دل*

(ص ۲۷ تا ۳۵)

چکیده

شناخت نسخه‌های خطی اصل یکی از عوامل اصلی در جریان گردآوری و تصحیح متون است. از اینرو محققان تلاش گسترده‌ای در به دست آوردن نسخه‌های خطی اصل دارند تا بتوانند جریان علمی عصر مؤلف را بهتر شناخته و شیوه تفکر مؤلف را از اصل دستنوشته او دریابند. بدین جهت فهرست‌نویسان با توجه به علائم و نشانه‌های متعدد، سعی در شناسایی نسخه‌های اصل داشته و دارند. در تحقیق حاضر سعی بر آن شده تا بخشی از این نشانه‌ها که از فهرستهای نسخ خطی و بررسی مستقیم نسخ بویژه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی، به دست آمده، بررسی و ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: نسخه‌های خطی، نسخه اصل، عوامل ارزیابی.

یکی از راههای حفظ میراث گذشتگان، حفظ آثار مکتوبی است که در طول سالها وسیله‌ای جهت انتقال فرهنگ و تمدن بشر بوده است. از اینرو نسخه‌های خطی به عنوان مهمترین آثار مکتوب در بررسی اندیشه‌های هر دوره، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در حوزه فرهنگ و تمدن اسلام نیز گسترش کتابت و نسخه‌نویسی به دلایل متعدد از جمله تأکید قرآن و احادیث بر کسب علم و فریضگی آموختن و

* کارشناس نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

همچنین شروع نهضت ترجمه و انتقال علوم جدید به جامعه اسلامی، متداول شد و این مهم به ایجاد شغلی به نام وِزّاقی و کتابت^۱ کمک نمود، که گاه صاحبان فضل و کمال را چون یاقوت - منشی کتابفروشی وراق - و ابن الندیم - نسخه‌گری کتابفروش و کتابشناس - را در خود جای می‌داد^۲.

شبکه کتابت که در نتیجه افزایش طلاب و اهل علم و استفاده از کتابهای درسی و دیگرگرایش علما و فضلا بر استنساخ نسخه‌ها برای خود^۳ و همچنین رشد کتابخانه‌های شخصی، گسترش یافته بود، عاملی در ورود کاتبان کم‌سواد و ناآشنا با علوم مختلف و در نتیجه ورود بی‌توجهی، جعل، اسقاط و تحریف در نسخ خطی بود که به عمد یا سهو صورت می‌گرفت.

خطای نگارش نه تنها از سوی کاتبان که حتی برخی گردآورندگان و نویسندگان را نیز مبتلا ساخت، چنانکه گویند: شعر سعدی در قابوسنامه و شعر معزی در لغت فرس اسدی راه یافت^۴. بتدریج کاتبان مزور نیز به شغل کتابت و وراقی درآمدند و به جعل کتاب پرداختند و گاه کارگاههای خاصی در اصفهان و یا در جوار تهران به منظور جعل اجناس و کتب برپا می‌کردند^۵. ابن خلدون نیز با اشاره به کاتبان مزور می‌گوید که: در عهد مقتدر - خلیفه اول - در بغداد، وراقی به نام معروف دانیالی، کاغذهای کهنه را به خط عتیق نمای می‌نوشت^۶.

اما در میان آثار بجای مانده، کلام خدا و آثار مذهبی به دلیل گرایش اعتقادی مسلمانان از جعل و اسقاط و تحریف برکنار ماند و ایشان روح علمی خود را در عواملی چون: "سماع"، "قرائت"، "اجاده" و "وجاده" نمایان ساختند و سعی در حفظ بسیاری از متون مذهبی و ... داشتند^۷.

تمام عوامل یاد شده در بروز خطای نگارش، عاملی شد تا محققان برای بررسی نسخه‌های خطی به دو جریان گردآوری کلیه نسخه‌های یک اثر، و دیگر تصحیح انتقادی آنها توجه کنند^۸، و بهترین نسخه‌ها را جهت تحقیق انتخاب نمایند. بی‌شک مهمترین و بهترین نسخه‌ها را نسخه‌ای می‌دانند که به دست خود مؤلف کتابت شده باشد و عنوان و نام مؤلف در آن ذکر شده باشد و تمامی مواد و

عناصر کتاب را بدان گونه که شخص مؤلف آنها را به شکل و صورت نهایی ترسیم کرده، و با خط و قلم خویش در آن نوشته باشد^۹. مؤلف گاه کتاب را در یک مرحله یا چند مرحله تنظیم کرده است؛ یعنی گاه نسخه‌ای را به صورت "مسوده" نوشته و گاه "مببضه"، هر چند مسوده از قوت بیشتری نسبت به مببضه برخوردار است اما به مرحله کمال نرسیده در حالی که مببضه شکل نهایی نسخه است^{۱۰}.

اما نسخه‌ای که مؤلف خود نوشته است و اغلب به نامهای نسخه مادر، اصل و مصدر نیز معرفی شده است چه نشانه‌هایی دارد و چگونه فهرست‌نویسان و محققان قادر به شناخت این نسخه‌ها می‌باشند؟ این مسئله با تأکید بر فهرستهای بیست و چهارگانه دانشگاه تهران و دیگر فهرستهای نسخ خطی و همچنین رؤیت و بررسی مستقیم برخی نسخه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و نشانه‌هایی به دست آمد که در شناختن نسخه اصل حائز اهمیت است که برخی از آنها عبارتند از:

الف. نسخه‌هایی که مؤلف در عبارات پایانی اثر به کتابت نسخه به دست خود اشاره دارد، عباراتی چون: "... کتب مؤلف الکتاب ... ۱۱"، "علی ید مصنفه ... ۱۲"، "... کتب مؤلف بیمناه الغانیه ... ۱۳"، "... علی ید مؤلفه الفقیر ... ۱۴"، "... علی ید مفتقر الی رحمه الله ... ۱۵"، "... کتب ذلک مؤلفها ... ۱۶"، "... کتبه مؤلفها الفقیر ... ۱۷"، "... کتبه بیمناه الباهره اقل الخلیفه مصنف هذا الکتاب ... ۱۸"، "تمت بقلم مؤلفها ... ۱۹"، "... کان الختم علی ید مؤلفه ... ۲۰"، "... قد فرغ من تألیفها و تحریرها مؤلفها ... ۲۱"، "... هذا آخر ما اردنا ایراده فی کتاب ... ۲۲"، "... قد فرغ منه تنمیقه فی اللیل ... و انا العبد ... ۲۳"، "... لمؤلفه علی بن لطف الله ... ۲۴"، "... تهیا الفراغ من نقله الی البیاض ... تألیف احوج خلق الله ... ۲۵"، "ختم شد ترجمه این صحیفه شریفه ... بر ید مترجم و مؤلف آن ... ۲۶"، "قدم علی ید مصنفه ... ۲۷"، "... فرغ من تسویده مؤلفه ... ۲۸"، "... حررتها و انا مؤلفها ... ۲۹"، "... نجز علی ید مؤلفه ... ۳۰" و غیره.

لازم به تذکر است که کاتب در نوشتن نسخه، اغلب عین عبارت مؤلف را تکرار می‌کرده، بنابراین تنها عبارات پایانی و ترقیمه کتاب نمی‌تواند معیار اصل بودن باشد.

ب. خط خوردگی خطوط و کلمات و اصلاح و تصحیح آن در متن و حاشیه و یا تراشیدگی^{۳۱} و پاک کردن متن و تصحیح مجدد آنها بویژه در نسخه مسوده، زیرا مؤلف اغلب هنگام نوشتن کتاب یا رساله، خود به اصلاح جملات و یا کلمات خود می پرداخته که این حک و اصلاح مستلزم خط زدن متن، تراشیدن، شستن و یا پاک کردن متن و اصلاح آن در حاشیه و یا در سطر مورد نظر بوده است که تطبیق این اصلاحات با متن و یافتن عبارات صحیح نیز برعهده خود مؤلف بوده است. همچنین سفید گذاشتن اوراق کتاب در قسمتهای مختلف کتاب جهت افزودن مطالب و یا اصلاح آن عاملی دیگر در شناخت نسخه اصل است. نشانه‌های یاد شده در آثاری چون: "نجم الهدایه" محمدتقی بن محمد حسین کاشانی^{۳۲}، "دیوان" صائب تبریزی^{۳۳}، "مجمع الفرس" محمدقاسم سروری کاشی^{۳۴}، "ودائع الاحکام فی شرایع الاسلام" زین العابدین حسین طباطبایی^{۳۵}، "بحار الانوار" مجلسی دوم^{۳۶}، "جامع الآثار فی مولد المختار" محمد بن احمد دمشقی^{۳۷}، "مفتاح الحقایق" محمدباقر جابری نایینی^{۳۸}، موجود است.

ج. عبارات و کلمات خاص موجود در نسخه که اغلب در حواشی نسخه نوشته شده است و فهرست‌نویسان آنها را یکی از علائم نسخه اصل می‌دانند. مانند: "منه"، "منه مُدْظَلَّه"^{۳۹}، "منه عفی عنه"^{۴۰}، "صدر عفی عفه"^{۴۱}، "مصنف ادام ظله ..."، "مصنف ادام الله تعالی ظله"^{۴۲}، "م ح ت ق عفی عفه"^{۴۳}، "منه طال عمره"، "منه دام ظله"^{۴۴}، "هذا خط المصنف دام ظله"^{۴۵}، "لراقمه، لمحرره"^{۴۶}، "دام ایام افادته"^{۴۷}، "لمحرره الضعیف"^{۴۸}، "منه وفقه الله"^{۴۹}، "منه سلمه الله"^{۵۰}.

همچنین تکرار جملات دعایی و ثنا و "بسمله" بر بالای برخی صفحات بویژه از دانشمندان و فقهای متأخر نیز نشانه‌ای بر اصل بودن نسخه است^{۵۱}.

د. تأیید فردی صاحب‌نظر با توجه به عوامل متعدد و یا یکی از نوادگان و یا بستگان مؤلف با توجه به گواهی و یادداشت آنها در صفحه عنوان کتاب. مانند: یادداشت ملک الشعراء بهار بر کتاب "حدائق الجنان" از تألیفات عبدالرزاق دنبلی و اینکه نسخه خط اوست^{۵۲}. و گواهی صدراالافاضل در رمضان ۱۳۰۵ ق بر اصل بودن نسخه "الروضه البهیة"^{۵۳}. و یادداشت هبة الدین شهرستانی بر کتاب "اختیار

المصباح" که با استناد به جمله "اختاره العبد الفقير على بن حسين بن حسان بن حسين ابن احمد بن باقى قرشى^{۵۴}" از آن مؤلف است. و خط پسر مؤلف در صفحه عنوان "حاشیه الشفاء" با عبارت: "آخر حاشیه والدى و استادى و من الله من العلوم استادى مير اسماعيل المدرس على الهيات الشفاء من المقالة الخامسة^{۵۵}". و گواهی جعفر طباطبایی بر نسخه "شرح المفاتيح" بر اینکه نسخه خط نیای من است^{۵۶}.

ه. اشاره به اصل بودن نسخه در یادداشت مالکیت و امانت نسخه مانند: "دیوان مولانا نظیری، ملانظیری خود تصحیح داده، خود چیزی نوشت، ابتهای ملامحمد صالح کتابفروش، شهر رجب ۱۱۰۰^{۵۷}". و "هذا من مصنفات جدی و دخل فی نوبتی سنه ۱۱۶۴، العبد الحقیر محمدرحیم بن سید مرتضی^{۵۸}". و "من عواری الزمان فی ملک مؤلفه... الحاجی محمدتقی بن محمد بن الحسین التبریزی الممقانی ۱۲۸۴^{۵۹}". و "مالکه کاتبه مؤلفه"^{۶۰}.

و. استناد به مهر مؤلف علاوه بر عوامل دیگر نسخه اصل، مانند: "لا اله الا الله الملك احق المبین عبده نصرالله^{۶۱}"، "محمدحسن^{۶۲}"، "العبد محمدبن الحسن الحر^{۶۳}"، "محمدتقی بن محمد^{۶۴}"، و غیره.

ز. علاوه بر نشانه‌های مطرح شده، آشنایی با سبک نگارش و شیوه تفکر مؤلف و شناخت آثار دیگر وی و در صورت لزوم تطبیق آثار و خطوط آنها و همچنین بررسی دقیق مراجع و کتابشناسی برای آشنایی با آثار مؤلف و دوره آن، در شناخت نسخه اصل، بسیار مؤثر است. عوامل نسخه شناسی چون شناخت کاغذ، انواع خطوط، نوع مرکب، جلد و تصاویر موجود در نسخه، و سبک هنری هر دوره و تطبیق هر یک با عصر مؤلف نیز عامل بسیار مهم دیگر در بررسی نسخه اصل است.

علی‌رغم تمام نشانه‌های یاد شده، گاه فهرست‌نویسان مسئله اصل بودن نسخه را با تردید بیان کرده می‌گویند: "گویا به خط خود شاعر^{۶۵}"، "گویا اصل^{۶۶}"، "گویا از خود مؤلف^{۶۷}"، که جملگی تأکید بر دشوار بودن شناخت نسخه اصل و نیاز به تسلط کامل بر عوامل کتابشناسی و نسخه شناسی را نشان می‌دهد.

پانوشتها:

۱. نجیب مایل هروی، کتاب آرایبی در تمدن اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. ۱۳۷۳، ص ۱۹ و ۱۶.
۲. همو، نقد و تصحیح متون مراحل نسخه شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۶۹، ص ۶۸.
۳. نجیب مایل هروی، همان، ص ۲۵.
۴. عبدالحسین زرین‌کوب، یادداشتها و اندیشه‌ها، بخش اول به کوشش عنایت‌الله مجیدی، تهران، طهوری، ۱۳۵۱، ص ۳۰.
۵. مجتبی مینوی، کابوسنامه فرای، یغما، سال ۹ (۱۳۳۵)، ص ۴۵۴.
۶. مجتبی مینوی، همان، ص ۳۲.
۷. برگستراسر و عبدالسلام هارون، روش تحقیق انتقادی متون، ترجمه و تألیف جمال‌الدین شیرازیان، تهران، لک‌لک، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷.
۸. عبدالحسین زرین‌کوب، همان، ص ۳۲.
۹. برگستراسر، همان، ص ۷۰؛ صلاح‌الدین منجد، روش تصحیح نسخه‌های خطی، ترجمه حسین خدیوجم، تهران، آبان، ۲۵۳۵، ص ۱۶؛ مهدی محقق، روش تصحیح و نشر متون، مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسائل ایرانشناسی، به کوشش علی موسوی گرماردی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۳۲۳؛ مهدی بیانی، کتابشناسی کتابهای خطی، به کوشش محبوبی‌اردکانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۵۰.
۱۰. مهدی محقق، همان، ص ۳۲۴.
۱۱. در "حدیقه هلالیه" شیخ بهایی. علینقی منزوی، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۹۹.
۱۲. در "مختلف الشیعه فی احکام الشریعه" علامه حلی. محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه اهدایی آقای مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۵، ص ۲۰۰۵.
۱۳. در "المناهل" سپاهانی کربلای. محمدتقی دانش‌پژوه، همان، ص ۲۰۶۹.

۱۴. در "شرح صحیفه سجاده" علینقی منزوی، همان، ج ۱، ص ۱۴۶.
۱۵. در "رساله‌های شهرستانی" محمدتقی دانش‌پژوه. همان، ج ۵، ص ۱۸۹۴.
۱۶. در "حداثق العارف فی طریق المعارف" محمدصادق بن ابی القاسم موسوی خاجویی. محمدتقی دانش‌پژوه. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۳۱۹۸.
۱۷. در "الاناره عن معنی الاستخاره" محمد علم الهدی فرزند ملامحسن فیض کاشانی. علینقی منزوی، همان، ج ۱، ص ۱۳.
۱۸. در "لطایف غیبی و عواطف لاریبی"، احمدبن زین العابدین علوی عاملی جبللی، منزوی، همان، ج ۱، ص ۱۸۹.
۱۹. در "العقود الرفیعیه فی الصنایع البدیعیه" بحرینی شاگرد شیخ بهایی. منزوی، همان، ج ۲، ص ۴۲۹.
۲۰. در "المبدأ و المعاد" نورالدین محمدبن مرتضی. دانش‌پژوه، همان، ج ۳، ص ۴۸۹.
۲۱. در "نفحات الاسرار" محمدباقر حسینی طباطبایی. دانش‌پژوه، همان، ج ۳، ص ۱۰۱۱.
۲۲. در "تشریح العالم" فیض کاشانی، دانش‌پژوه، همان، ج ۳، ص ۸۵۹.
۲۳. در "رساله‌های خوانساری" دانش‌پژوه، همان، ج ۵، ص ۱۸۸۸.
۲۴. در "کنزالمسافر فی الادب من الاشعار و الخطب" علی بن لطف الله حبش بن عبدالله، محمدتقی دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۵۲۳.
۲۵. در "التسهیل" ابو جعفر کافی بن محتشم قاینی، دانش‌پژوه، همان، ص ۳۲۵.
۲۶. در "تحفه حسینی" تبریزی سپاهانی، دانش‌پژوه، همان، ص ۶۸۳.
۲۷. در "تنزیه الانبیاء" فیض الله بن جعفر بغدادی، دانش‌پژوه، همان، ج ۱۷، ص ۳۳۱.
۲۸. در "کاشف الرموز" طبرسی لاریجانی، دانش‌پژوه، همان، ج ۱۳، ص ۳۰۱۹.
۲۹. در "الفهرست الصدريه فی الاجازات العلیه" همدانی، شاگرد میرزا حسین نوری، محمدباقر حجتی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۶۲۵.
۳۰. در "جواب الشبهتین" تفرشی، محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست نسخه‌های خطی دانشکده

- ادبیات، مجله دانشکده ادبیات، سال هشتم (۱۳۳۹)، ص ۱۸۸.
۳۱. در "انیس الطلاب" ایرج افشار، "یادداشت‌های قزوینی"، ج ۹، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۳۹.
۳۲. محمدتقی دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۴-۱۴۱.
۳۳. همو، همان، ج ۹، ص ۱۰۶۲.
۳۴. همو، همان، ج ۹، ص ۹۸۹.
۳۵. همو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه، ۱۳۳۰، ص ۵۰۱.
۳۶. محمدتقی دانش‌پژوه، همان، ج ۱۵، ص ۴۱۶۴.
۳۷. همو، همان، ج ۱۵، ص ۴۱۶۳.
۳۸. محمدتقی دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۴۶۴.
۳۹. در "الثالی العبقریه فی شرح القصیده الحمزیه" فاضل هندی، دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۴۶۷.
۴۰. در "التقریرات" محمدتقی دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۵۶۷؛ در "الحدیقه النجفیه" محمدتقی هروی، محمدباقر حجتی، همان، ص ۵۴۱.
۴۱. در "العروة الوثقی" شیخ بهایی، دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۳۶۰.
۴۲. در "شرح اللفیه المنظومه" محمدتقی دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۴۲۳.
۴۳. در "شرح الصحیفه السجادیه" محمدتقی مجلسی، دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۳۳۱۷.
۴۴. در "الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه" میرداماد، دانش‌پژوه، همان، ج ۵، ص ۱۳۳۲.
۴۵. در "الوافی" فیض کاشانی، دانش‌پژوه، همان، ج ۵، ص ۱۶۲۸.
۴۶. در "دیوان منظر اصفهانی" دانش‌پژوه، همان، ج ۳، ص ۳۳۱۷.
۴۷. در "شرح صحیفه سیدالساجدین" اصطهباناتی شیرازی، محمدباقر حجتی، همان، ص ۷۷۹-۸۰.
۴۸. در "التمهید فی قواعد التوحید" آقابزرگ قمی، محمدباقر حجتی، همان، ص ۴۹۸.
۴۹. در "الفهرست الصدزیه فی الاجازات العلمیه" محمدباقر حجتی، همان، ص ۶۲۵.

۵۰. در "مناهج الاحکام" احمد بن محمد باقر بهبهانی، محمد باقر حجتی، همان، ص ۸۰۴.
۵۱. در "حاشیه سبزواری" عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۵، تهران، مجلس، ۱۳۴۵، ص ۱۷۷.
۵۲. ابن یوسف شیرازی. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، تهران، مجلس، ۱۳۱۸، ص ۵۳۶.
۵۳. محمد تقی دانش‌پژوه، همان، ج ۵، ص ۱۹۰۳.
۵۴. علینقی منزوی، همان، ج ۱، ص ۲-۴.
۵۵. محمد باقر حجتی، همان، ص ۵۳۱.
۵۶. محمد تقی دانش‌پژوه، فهرست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ص ۳۸۷.
۵۷. همو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی، ج ۹، ص ۱۰۶۴.
۵۸. عبدالحسین حائری، همان، ج ۵، ص ۱۸۵-۶.
۵۹. در "مفاتیح الغیب" محمد باقر حجتی، همان، ص ۴۰۷.
۶۰. در "تفصیل وسایل شیمه" شیخ حرّ عاملی، دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۳۱۷.
۶۱. در "مظهرالبینات" حاج نصرالله پسر ملالطفعلی دزفولی، منزوی، همان، ج ۲، ص ۴۲۸.
۶۲. در "مجموعه رسائل شیخ محمد حسن اصفهانی" دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۴۲۸.
۶۳. در "تفصیل وسایل الشیمه" دانش‌پژوه، همان، ج ۸، ص ۳۱۷.
۶۴. در "مفاتیح الغیب" محمد باقر حجتی، همان، ص ۴۰۷.
۶۵. در "درّ مکنون" علی اصغر بروجردی، دانش‌پژوه، همان، ج ۱۳، ص ۳۲۴۱.
۶۶. در "حاشیه الحکمه المقعالبیه فی الاسفار" حاج ملاهادی سبزواری. محمد باقر حجتی، همان، ص ۵۱۸.
۶۷. در "الکواکب الدرّیه" بیدگلی کاشانی، دانش‌پژوه، همان، ج ۱۳، ص ۳۲۳۳.